

قایم مقامی مرحوم بدین وجه سخت متردد بودند که تکمیل انتظام بغیر از واقفیت کامله شیراز اصول انتظام جاری شده ممکن نبود چنانچه نواب مدارالمهام در رقعہ دیگر موسومہ خواجہ امین الدین خان تحریری فرمایند -

از انتقال والد آن مہربان اینجانب را برای اجرای کار ہم نیکو
تر دست زیرا کہ قطع نظر از لیاقت باین سبب کہ پیشتر از اجرای کار
(انتظام) دارو اینجا بودند و از ہمہ حالات واقفیت بہرسانیدہ
بودند کہ بوقت شروع کار انتظام اجنبیت نداشتند -

جناب مولوی نصیر الدین خان صاحب خوجو کے در تاریخ و کن نسبت ایشان می نگارند
کہ مولوی امین الدین خان صاحب فرزند ارشد مولانا
موبد الدین خان صاحب نہایت زیرک و صاحب علم و خلیق
وصاف طبع و خوششیر و و نیک خوفظین کہ زود بطلب
معاملہ میرسند بعد تجربہ بہ چند روز سرآمد مہربان و بی نظیر
خواہند بود -

نواب مدارالمهام بعد غور کامل برای معتمدی عدالت و کوتوالی وغیرہ انتخاب ایشان نمودند ایشان
در آن زمان ناظم محکمہ صدر تعلقات بودند - از خدمت مذکورہ بر خدمت والد ایشان ایشان
را ترقی دادند و مامور فرمودند و از مشورہ ایشان بقیہ انتظام جدید کہ اجرا طلب بود جاری
فرمودند و انتظام بہر صیغہ ملک بخوبی تکمیل گردید - پس انتظامی کہ بمشورہ والد ایشان آغاز
شده بود بہ مشورہ ایشان باختتام رسید بدین وجه نواب مدارالمهام بسیار قدر ایشان میکردند
و بسیار عزیز میداشتند - چنانچہ بیشتر اوقات نواب مدارالمهام بہ نسبت ایشان نہایت عمدہ
راسی ظاہر فرمودند کہ تذکرہ آن ہمہ خالی از تطویل نیست صرفاً بمقدمہ شیخ متاہم فخر الدین
خان ہرچہ نسبت ایشان تحریر فرمودند تذکرہ آن کافیست و آن حسب ذیل است -

آن مہربان را از والد مرحوم آن مہربان فائق تری بنیم و امید
میدارم کہ روز بروز درین ترقی خواہد شد -

و نواب مدارالمهام حکمی کہ بتاریخ ۲۳ شعبان ۱۲۹۵ ہجری نسبت بقایای تخواہ ایشان تحریر
فرمودند بعض عبارت آن در ذیل مندرج است و از آن ظاہرست کہ چہ قدر وقعت ایشان
در دل مدارالمهام بود -

اگر چه گاهی این جانب و عده خود را فراموشی نه نموده بود لیکن همیشه در دل خود تخمین صبر و شکیبائی آن مهربان نمود که در انبساط روزگار مردم را متصف به چنین صفات کم می یابیم فی الحقیقت میگویم که نه صرف این صفت صبر و تحمل بلکه بعضی صفات دیگر در آن مهربان دیده ام و می بینم که بارک الله میگویم و نه من این میگویم بلکه اکثر همین میگویند و بس -

ایشان تا ستم هجری کار مفوضه انجام دادند و در سنه مذکور نواب صاحب ادب بعضی ترمیمات در انتظام قدیم فرمودند که از اجزای اکثر آن ایشان متفق نه بودند و نواب صاحب را در اجزای آن ترمیمات اصرار بود ایشان کار گزارشته رخصت یک ساله گرفتند - هر چند نواب مدارالمهام بعد ازین بسیار سعی ملاقات ایشان کردند و خود بر مکان ایشان قصد آمدن نمودند لیکن ایشان نه بر تشریف آوردی نواب صاحب رضامند شدند نه خود بر ملاقات رفتند از آن اشخاص ملاقات کردند که پیام های نواب صاحب می آوردند - مقصود نواب مدارالمهام آن بود که ایشان را رضامند نمایند و در ترمیماتیکه ایشان را سخت اختلاف بودند کنند لیکن ایشان رضامند نه شدند اکثر خط و کتابت نواب مدارالمهام متعلق ازین موجود است که بلحاظ مضامین سخت چیرت انگیز است چونکه اندراج آن بسیار طوالت میدارد - ازین وجه دریغ کرده نشد - درین اثنا نواب مختار الملک انتقال فرمودند و در امری ایشان تبدیلی نشد لهذا نواب عماد السلطنه مدارالمهام ثانی مجبوراً بلحاظ حقوق سابقه نصف تنخواه ایشان خیس صد روپیة بطور وظیفه اجرا کرده ایشان را از خدمت معتمدی سبکدوش نمودند -

ایشان از والد بزرگوار خود تعلیم علوم ظاهری و باطنی یافته بودند و به کامیابی تمام در علوم ظاهری بهره ور گردیدند و نیز در علوم باطنی واقفیت کافی بهم رسانیدند و در خاندان عالی و نجیب که خدائی ایشان شده بود لیکن زوجه ایشان بوجه ولادت انتقال کرد و بعد از آن ایشان هیچ گاه قصد نکاح نکردند - و این واقع زمانه شباب ایشان است ازینج مفارقت و انتقال زوجه بر ایشان چندان اثر شده بود که تا یک سال محض ز خود رفته بودند و در وقتها میماندند - بوجه بزرگان در آن حالت افاقت بهم رسید ایشان بطرف سلوک مایل شدند

دوران کامیاب گردیدند. ایشان خلیق و فیاض و رحم دل و خداتر سس و نیکو کار بودند -
 و تادیت العمر هر چه از اخراجات باقی میماند همه بنام خدا خیرات میکردند و در وقت ترک دنیا جمله
 اشیای موجوده خانه که بسیار قیمت داشت همه خیرات کردند و چیزی باقی نداشتند بر زمین خواب
 میکردند و در ظروف گلی طعام میخوردند و آب می نوشیدند ایشان تا زمانه هفده سال معتمد عدالت و غیره
 ماندند و هیچ گاه سفارشل ایشان مدارالمهام نامقبول نه کردند و در اکثر امور حسب رای ایشان
 حکم دادند ایشان بنام بسیار کسان منصب جاری کنانیدند و بسیار کسان را خدمات و بانیدند
 و بسیار کسان را یومیه کنانیدند و بسیار کسان را بطور خیرات از ممر کار نقد رقوبات و بانیدند
 نهایت باخیر بودند از احسانات ایشان اکثر اهل ملک و اکثر اهل ممالک غیر بهره یاب گردیدند
 و تا حال از ان کامیاب هستند. ایشان در تدین و اوصاف حمیده اشهرترین اشخاص این صفتها
 گردیدند اهل این ملک ایشان را همیشه بنیکی یاد میکنند بعد گذشتن خدمت ایشان محض تارک الدنیا
 گردیدند و ریاضت شاقه آغاز نهادند و تا قریب هشت سال از هیچ کس ملاقات نکردند
 و در ریاضتها سے شاقه مشغول ماندند و ذمی تصرف گردیده در ماه رمضان ۱۰۳۰ هجری ازین
 عالم فانی بعالم جاودانی رحلت فرمودند و متصل قبر والد بزرگوار خود در درگاه یوسف صاحب
 و شریف صاحب مدفون گردیدند ماده تاریخ وفات ایشان انیست -

آفتاب عز و جاه و عدل شد زیر زمین

(۹۱) تذکره خواجه معین الدین خانصاحب - مولوی خواجه معین الدین خانصاحب فرزند اوسط خواجه موی الدین
 خانصاحب هم تعلیم علوم ظاهری و باطنی از والد بزرگوار خود حاصل نمودند و در علوم ظاهری باطنی
 بهره وافر برداشتند ابتدا بر نیابت معتمدی عدالت و کتوالی بزمانه معتمدی والد خود مامور بودند
 چنانچه مولوی نصر الله خان صاحب در تاریخ دکن می نگارند که نایب ایشان فرزند کوچک
 ایشان است آنهم جامع صفات حمیده است و نعت پسندیده اگر چه پدر موی الدین است
 مگر الحمد لله که پسر معین الدین است و بعد از ان بر نظامت عدالت العالیة فوجداری ترقی یافتند
 و تادیت و راز مامور ماندند بعد از زمانه دراز باز درخواست معاودت بر خدمت سابقه نمودند و بمشاهره
 موجوده که یکبار بجه و بر نیابت معتمدی عدالت عود کردند ایشان از زمانه شباب در یاد آچی مشغول می بودند
 هیچ گاه قصد کردائی نکردند همیشه بر ریاضتها مختلف مشغول ماندند و لمحّه از یاد خدا غافل نمیانند
 و هر چه از مشاهره بعد اخراجات باقی میماند همه بنام خدا خیرات میکردند. تمامی عمر خود در مطالعه کتب

و یا و آنگهی صرف کردند - در ولی کامل بودن ایشان هیچ شک نیست تمام عمر ایشان در اطاعت برادر
 بزرگوار خود صرف کردند و بجز رحم دل و قیاض و خلیق و متین و نهایت ادیب و انشا پر و از بودند -
 از چند سال بعوارض نوازل مبتلا شده در سن ۹۹ هجری ازین عالم فانی بعالم جاوانی رحلت فرمودند
 و متصل مرقد پدر بزرگوار خود در مقبره حضرت یوسف صاحب شریف صاحب مدفون گردیدند -
 تذکره ^(۹۲) خواجه محمد محی الدین خان خواجه محمد محی الدین خان فرزند اصغر خواجه موید الدین خان صاحب
 بسیار مفسرین بودند که والده ایشان انتقال کردند پرورش ایشان جدّه ایشان میکردند و برادر حقیقی
 جدّه ایشان که حکیم محمد حسین خان صاحب در علوم ظاهری و باطنی دستگاہ کافی میداشتند سلسله عقیدت
 ایشان از جناب مولانا فخر الدین صاحب قدس سره بچند واسطه در طریقہ عالیہ قاوریه مشتملیه بود -
 و همه خاندان ایشان به همین طریق مشرف بود - در علم طب و عمل آن در هندوستان نظیر ایشان ند بود -
 در علم معقولات و ریاضیات نیز ایشان بکتابی زمانه بودند و نهایت مہذب و سنجیده و خلیق و متین و
 در علم فلسفہ بجز تمام میداشتند و مزاج ایشان فلسفیانہ و سالکانہ بود و بسیار تنہائی پسند و نهایت
 تجربه کار و حکیم گویا افلاطون وقت بودند او شان از عمر پنج ساله ایشانرا تعلیم تہذیب و اخلاق
 میدادند و چونکہ غیر ایشان کسی نبود ہر وقت تجربات خود را مورد دنیاوی پیش ایشان بیان میکردند
 چون عمر ایشان تا ہفت سال رسید تعلیم ایشان آغاز کنانیدند گو تعلیم اساتذہ مختلف میکردند لیکن
 حکیم صاحب خود ہم نگران تعلیم میانند - تا آنکہ ایشان بر خط و کتابت صحیح قادر گردیدند و از تعلیم فارسی
 فارغ گردیدند - گو ہنوز نوبت خواندن کتب اخلاق و معقولات نیامده بود لیکن ایشان از فیض صحبت
 حکیم صاحب از اکثر مسائل علوم مذکورہ بخوبی واقف گردیدند - درین اثنا ایشان حسب الطلب
 بچیدر آباور رسیدند - و از برادر کلان خود تعلیم صرف و نحو عربی آغاز نہادند - و بعدا نفاغ آن کتب منطق
 و ادب آغاز کردند کہ درین اثنا نواب مختار الملک مدار المہام سرکار آصفیہ ایشان را بطور کار آموز
 برای تجربہ کار سرکاری در دفتر معتمدی عدالت و کوتوالی وغیرہ کہ حاکم آند دفتر برادر کلان ایشان بودند
 مامور فرمودند و از غرہ جمادی الاول ۱۱۲۵ ہجری بطور مدد خرج دو صد روپیہ ماہوار اجہرا نمودند -
 ایشان کار سرکاری ہم میکردند و تعلیم علوم ہم جاری داشتند - چندی در علم ادب توجہ کردند
 و زود تر لیاقت انشا پردازمی و شعر گوئی در زبان عربی حاصل نمودند چون از کتب و رسبہ علم ادب
 و منطق فارغ شدند فقہ و اصول فقہ آغاز نہادند - چون از کتب و رسبہ فقہ و اصول فقہ فارغ شدند
 کتب علم حدیث و تنقیح و اسما و الرجال آغاز کردند ہنوز صحاح ستہ با ختمام نرسیدہ بود کہ بحصول

رخصت حسب الطلب محمد حسین خان صاحب بدلی رفتند و در اینجا بقیه کتب صحاح از مختلف علماء ختم کردند -
چونکه در آن زمان شوق قرأت مصحف مجید و اعمال میداشتند و خواهش ایشان آن بود که اجازت
مصحف مجید حاصل کنند و محمد حسین خان صاحب بسلسله از سرور عالم صلی الله علیه و سلم مجاز قرأت
مصحف مجید بودند ایشان طالب اجازت گردیدند و از ایشان تمامی مصحف مجید سماعت کرده اجازت
حاصل نمودند که سلسله آن حسب ذیل است -

يقول الفقير محمد حسين اني اخذت القرآن العظيم على جماعة وكذا الحديث الشريف قاروى القرآن
قراءتنا واجازة وسامعا عن ائمة منهم شيخنا مولانا مولوى قطب الدين وهو اخذ عن مولانا مولوى
محمد اسحق صاحب دهلوى وهو اخذ عن سيدنا العلامة الفقيه المحدث القارى المتقن سيدى
ابو الحسن على بن عبد البر لوزانى الحنفى الزبيرى ثم المصرى وعن شيخ القراء والقراءات بالجامع
الازهرى ابى اللطيف عبدالرحمن بن محمد الزبيرى القرشى الماجورى قالارويناه عن شيخ المعجزين
محمد الحسنى البليدى زاد الثانى فقال وعن الفاضل المقرئ المعمر شهاب الدين احمد ابى السماع بن
احمد القرى قال عن شيخ القراء بالديار المصرية الشمس بنى عبد الله محمد بن القاسم بن اسمعيل القرى
عن شمس بن الباهلى عن خالد سليمان بن عبد الكريم الباهلى وغيره بنم الدين ابى الاشراف محمد بن احمد
بن على السكندرى عن شمس بن محمد بن عمر النشلى عن قطب الدين محمد بن محمد عبد الحفيظ عن شمس
محمد بن ناصر الدين الدمشقى عن العماد ابى بكر بن ابراهيم بن ابى قدهسته عن ابى عبد الله محمد بن
جابر الوادى الحفشى عن الامام ابى العباس احمد بن محمد الخنزرى الشيبان بن العمار عن ابى الحسن
محمد بن احمد سلوان البلى عن ابى الحسن على بن محمد بن هزبل عن ابى عمرو عثمان سعيد بن عثمان الدرانى عن
فارس بن احمد الحمصى عن عبد الباقى بن الحسين المقرئ عن احمد بن سالم النخلى عن الحسن بن
مخلد عن النهرولى عن عكرمة ابن سليمان عن اسمعيل بن عبد الله بن كثير عن مجاهد عن عبد الله
بن عباس عن ابى بن كعب عن رسول الله صلی الله علیه و سلم قال ابى فلها بلغت والفجر قال كبر
حتى تختم مع خاتمت كل صورة -

فقد سمع منى الفاتحة وسورة الصف محمد بن محمد بن الدين خان فاجزته بهما وسائر القرآن العظيم وكل ما يجوزلى
رواية وصلى الله على سيدنا محمد وآله وسلم -

بعد از آن ایشان بطرف علم تصوف و تفسیر متوجه شدند و در زمانه قلیل از عالم تفسیر و تصوف به کاسیانی
تمام فراغت یافته و در فاندان عالیله قادر بر چشمه بر دست محمد حسین خان صاحب معیت کردند و بطرف

تذکیر و تصفیہ متوجہ شدند بعد چندی در علوم باطنی ہم دستگاہی حاصل نمودند سلسله نسبت ایشان متعلقه بطریقه قادریه و چشتیه حسب ذیل است۔

سلسله خاندان عالیہ قادریہ قدس الشادار و احمد

مرشد ایشان جناب فضیلت آقا محمد حسین خا نصاحب و مرشد ایشان حاجی حریم شریفین حضرت
 خواجہ شاہ غلام امام القادری الفخری الاظمی و مرشد ایشان مولانا جامع علوم الخفی و الجلی حضرت
 خواجہ محمد سرفراز علی الحسنی القادری الفخری الاظمی و مرشد ایشان حضرت مولانا محمد اظہر فخری و
 مرشد ایشان حضرت مولانا محمد سبحان علی فخری و مرشد ایشان حضرت خواجہ مولانا محمد فخر الدین صاحب
 و مرشد ایشان حضرت شیخ نظام الدین صاحب اورنگسہ آبادی و مرشد ایشان حضرت شیخ کلیم اللہ
 جهان آبادی و مرشد ایشان حضرت شیخ یحیی المدنی و مرشد ایشان حضرت شیخ محمد و مرشد ایشان
 حضرت شیخ حسن محمد و مرشد ایشان حضرت شیخ محمد غیاث نور بخش و مرشد ایشان حضرت شیخ
 محمد علی نور بخش و مرشد ایشان حضرت سید محمد نور بخش و مرشد ایشان حضرت خواجہ ابی استحقاق
 الختلائی و مرشد ایشان حضرت سید علی ہمدانی و مرشد ایشان حضرت شیخ محمود و مرشد ایشان حضرت
 شیخ علاء الدین و مرشد ایشان حضرت شیخ نور الدین المشہور بالکبیر و مرشد ایشان حضرت شیخ احمد
 جوزفانی و مرشد ایشان حضرت شیخ رضی الدین المعروف بجلی لالا و مرشد ایشان حضرت شیخ محمد الدین
 البغدادی و مرشد ایشان حضرت نجم الحق والدین الکبری و مرشد ایشان حضرت شیخ عمار بن یاسر البیدی
 و مرشد ایشان حضرت شیخ ضیاء الدین ابی نجیب سروردی و مرشد ایشان حضرت محبوب سبحانی
 قطب ربانی غوث صمدانی سید سلطان عبدالقادر جیلانی و مرشد ایشان حضرت شیخ المشایخ شیخ ابی سعید علی
 المبارک الخزومی و مرشد ایشان حضرت شیخ ابی الحسن علی ہنکاری و مرشد ایشان حضرت ابی الفرج
 ططوسی و مرشد ایشان حضرت شیخ ابی الفضل عبدالواحد بن عبدالعزیز و مرشد ایشان حضرت شیخ ابی بکر
 محمد شلی و مرشد ایشان حضرت شیخ الاعظم الحنفی البغدادی و مرشد ایشان حضرت ابی الحسن سری سقلی
 و مرشد ایشان حضرت شیخ معروف الکرمی و مرشد ایشان حضرت امام علی موسی رضا و مرشد ایشان
 حضرت امام موسی کاظم و مرشد ایشان حضرت امام جعفر صادق و مرشد ایشان حضرت امام محمد باقر
 و مرشد ایشان حضرت امام زین العابدین و مرشد ایشان حضرت امام حسین شہید و مرشد ایشان
 امام المشارق والمغرب حضرت علی ابن ابی طالب کرم اللہ وجہہ بڑہ کہ از جناب خواجہ بہرودر حضرت
 احمد مجتبی محمد بن المصطفیٰ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فیضیاب گردیدہ بودند۔

ایشان بعد چندی بچیدر آبا و رسیدند و تقریباً یکسال در حیدرآباد مقیم ماندند و درین زمان کتب قوانین عدالت و کتوالی و مال به توجه کافی مطالعه نموده در آن دستگاہ کافی حاصل کردند باز بطلب حکیم صاحب حصول رخصت بدلی روانه شدند حکیم صاحب در فکر عقد ایشان بودند و خیال و شان این بود که در عزه قریب عقد نمایند چنانچه ایشان همیشه زادی والده ایشان تجویز کردند و بتاریخ پنجم ربیع الثانی سنه ۱۲۹۳ هجری بروز یکشنبه علی الصبح تقریب عقد ایشان نمودند و از کدخدائی ایشان بدین طور انفرار یافتند - بعد از انفرار رسوم کدخدائی ایشان کتب فلسفه از ان ثانی افلاطون آغاز کردند و تمامی کتب درسیه ختم نمودند بعد از ان تا چندی در علم طب مصروف ماندند و کتب درسیه آن هم تمام کردند و کتب ہیئت و ریاضیات آغاز کرده زودتر از جمیع علوم متداوله انفرار حاصل کردند - لکن چونکه ایشان بالطبع بسیار علم دوست بودند همیشه در مطالعه کتب علوم و فنون مختلف بسر می کردند از بطین زوجه مذکورہ بتاریخ پنجم محرم الحرام سنه ۱۲۹۵ هجری فرزندی تولد شد موسوم به محمد نصیر الدین گردید و بتاریخ دهم جمادی الثانی سنه ۱۲۹۶ هجری فرزند دیگر تولد شد و موسوم به محمد بشیر الدین گردید - تقریباً دو سال برین نگذشته بود که فرزند سوم تولد شد و موسوم به محمد نذیر الدین گردید - چونکه ایشان فارغ التحصیل هم گردیده بودند و در کار سرکاری هم مهارت کامل و تجربه وافر حاصل کرده بودند از قوانین عدالت و کتوالی و مال بخوبی واقف گردیده بودند و در محکجات سرکار انگریزی ملک پنجاب تجربه بطریق کارروائی هم حاصل کرده بودند و بلحاظ حقوق و لیاقت ایشان نواب مختار الملک مدارالمهام سرکار آصفیه برای ایشان خدمت مددگاری معتمدی عدالت و کتوالی تجویز فرموده بودند لکن ایشان بوجه مختلف آن خدمت را پسند نمی کردند و تقرر خود بران خدمت نمیخواستند بدین وجه تا آخر سنه ۱۲۹۹ هجری ایشان بجاالت سابقه خود ماندند در سنه ۱۳۰۰ هجری نواب مختار الملک مرحوم میخواستند که خدمتی اعلی تر از مددگاری معتمدی عطا فرمایند لکن قبل از آنکه حسب اراده خود تجویز کنند ازین عالم فانی بعالم جاودانی رحلت کردند و موقع ظهور ارا و کاه ایشان نشد - بعد انتقال نواب مختار الملک مرحوم راجه راجا جان مهاراجه نزد بهادر پیشکار منصرم مدارالمهام سرکار آصفیه مقرر شدند و ایشان در خواستی بالفاظ ذیل بخدمت ایشان پیش کردند -

بالفعل خدمتی بطور امتحان برای چندی سپرد فرموده شود تا کار گزار می خیر اندیش ملاحظه کرد
چونکه درین وقت صرف خدمت مددگاری معتمد مدارالمهام کتوالی خالی بود فوراً مهاراجه
ذیل بر چهار صدر و پیدما هواری بران تقرر فرمودند -

فرزند اصغر مولوی محمد موید الدین خان صاحب مرحوم سابق معتمد سرکار عالی
که قابلیت و لیاقت این عمده دارند و ذمی حوصله بوده اند۔

و بقرط عنایت تنخواہ سابقہ ایشان علی الشادری بنام محمد نصیر الدین خان و محمد بشیر الدین خان ہر دو
فرزندان ایشان بطور منصب جاری فرمودند۔ بعد چندی محکمہ نظامت کو توالی اصلاح قائم شد و فوٹو
صدر المہام کو توالی تخفیف درآمد و ناظم کو توالی اصلاح کرنل لٹو صاحب سی۔ بیس۔ آئی۔ مقرر شدند
و ایشان بطور مددگار ایشان و محکمہ نظامت کو توالی کار گزار ماند بعد چندی بدینوجہ کہ در محکمہ نظامت کو توالی
اصلاح جائدوی برای ایشان نبود برای تقرر ایشان کرنل صاحب موصوف بالفاظ ذیل بتاریخ ہشتم
ربیع الثانی ۱۳۲۴ھ صریح معتمد صاحب اصلاح مصارف تحریر نمودند۔

مولوی صاحب موصوف عالی خاندان و لائق و ہوشیار و کار گزار متدین
بودہ اند و از قوانین و ضوابط و کاروائی ہائے صیغہ عدالت مال کو توالی
بخوبی واقف اند و لیاقت انجامدہی کار ہر علاقہ در ہنہا و ایشان موجود
پس در ہر علاقہ جائد و یکہ فراخور مولوی صاحب معز خالی باشد و در
مامور خواہند فرمود۔

درین اثنا چونکہ نظام جدید عدالتہامی صوبہ غربی در پیش بود برای صدر منصفی انتخاب ایشان شد
و بتاریخ ششم ربیع الثانی ۱۳۲۴ھ ہجری بر صدر منصفی درجہ اول باہوار پنجہ روپیہ مامور
گردیدند لیکن بدینوجہ کہ قبل ازین کار کردہی خدمت صیغہ عدالت انجام ندادہ بودند اختیار سماعت
مرافعہ بایشان عطا نہ شدہ بود۔ بعد چندی بتاریخ ۱۷۔ شہر یور ۱۳۲۵ھ فصلی از سرکار بالفاظ ذیل اختیار
سماعت مرافعہ ہم عطا شد۔

چون از بیان ناظم عدالت صوبہ غربی واضح شد کہ ناظم عدالت دیوانی
ضلع بیٹر کار خود را بہ لیاقت و عمدگی بانصرام می رسانند و از حاصل نبودن
اختیار سماعت مرافعہ تجاویز منصفین باہل مقدمات ضرورت رسیدن
نزد ناظم موصوف واقع شدہ آنہا را ہرج و مکلیف میشود لہذا بہ ناظم
موصوف امثل و دیگر نظام اختیار سماعت مرافعہ دادہ شود۔

درین اثنا از سرکار حکم تبدل ایشان بہ ضلع دیگر شد و حافظ سید احمد رضا خان صاحب ناظم صدر عدالت
صوبہ از عدالت عالیہ بالفاظ ذیل سفارش تہنیت تبدل کردند۔

ناظم عدالت دیوانی ضلع بیڑکی مدوح ولایتی شخصانند و تا این وقت
چندان کہ فیصلہ جات ایشان بصیغہ مراجعہ بنظر من رسیدند بلحاظ آن
طریقہ کار گزار می ایشان را پسندیده نوشتن میتوانم پس سفارش میکنم
کہ تبدل ایشان نکرده شود۔

بعد چندی تاریخ ۳۱ تیر ۱۲۹۱ فصلی برای انتظام عدالتہای صوبہ شمالی ایشان برای صدر مددکاری
عدالت منتخب شدند و بر صدر مددکاری مامور گردیدند۔ صوبہ دار صاحب صوبہ شمالی بلحاظ عمدہ
کار گزار می ایشان سفارش ایشان براسے ترقی بر خدمت اول تعلقداری می کردند۔
چون نسبت آن نواب مدارالمہام رای صوبہ دار سابق نواب مقتدر جنگ بہادر و ناظم صدر عدالت
صوبہ غربی کہ ایشان ماتحت این ہر دو حکام تا زمانہ ماندہ بودند دریافت کردند نواب مقتدر جنگ بہادر
بالفاظ ذیل رای ظاہر فرمودند۔

ذہانت و ہوشیاری و مستعدی ایشان قابل تسلیم است تا این وقت
چندان کہ لیاقت عدالتی ایشان حاصل کردہ اند قابل قدر است اگرچہ
بصیغہ مال کار گزار مانند امید است کہ تجربہ کافی حاصل خواہند کرد۔
و حافظ سید احمد رضا خان صاحب بالفاظ ذیل اظہار رائے نمودند۔

در حکام عدالتہای صوبہ غربی ایشان لیاقت درجہ اعلیٰ میدارند و
با این برویانت ایشان ہم چندان وثوق میدارم کہ برویانت خود
و باعتبار تعلق عدالتی من صاف و بالیقین گفتن میتوانم کہ ایشان کار
تعلقداری بخوبی انجام دادند و باعتبار معاملہ فہمی و محنت
و مستعدی ایشان رای من آنست کہ ایشان کار بصیغہ مال گزار می ہم
بخوبی انجام خواہند داد۔

ہنوز تصفیہ این کارروائی نشده بود کہ تاریخ ۲۲ جمادی الاول ۱۲۹۱ ہجری ترقی ایشان بر بنیابت
معتدی عدالت و کوتوالی بر بنیابت کار گزار می و لیاقت ایشان گردید کہ درین اضلاع ماہوار ہمس بقدر
دو صد و پنجاہ روپیہ باہانہ بودہ برین خدمت سالی نہ گذشتہ بود کہ بر بنیابت لیاقت و کار گزار می ایشان
عدالت عالیہ اشخاب ایشان برای خدمت نظامت صدر عدالت صوبہ غربی نمود و بعد منظوری
سرکار تاریخ ۲۱ فروردی ۱۲۹۱ فصلی کار نظامت عدالت آفاذ کردند و درین ہم ترقی ماہوار بقدر

دو صد و پنجاه روپيه بود - غرض ما هو ارايشان کي نزار گرويد - چونکه ايشان در زمانه نيابت معتمد سے خود معتمد نواب معين المهام عدالت و نواب معين المهام کو توالی بودند بوجه گذاشت خدمت نيابت عنایت نامه که به ايشان نواب فخر الملک بهادر معين المهام عدالت تحریر فرمودند - حسب ذیل است -

در عرصه قلیل هر قدر کار مددگاری معتمد انصاحب انجام دادند آنرا بنظر بسیار وقعت می نگرم و این نبوت کافی کارگزاری واقعی و لیاقت درجه اعلی و اعزاز خاندانی آن صاحب است گو بر علیحدگی ايشان ازین محکمه افسوس دارم - مگر با انیمه برین امر اظهارست اتم و صنامندی تمام خود می کنم که ايشان از اینجا ترقی علیحده میشوند و بنظامت اوزنگ آباد که در اینجا بسیار ضرورت همچو شخص لایق بود ما مور کرده میشوند و نیز از صیغه ماتحت من علیحده میشوند آینده من از ترقی هر قسم ايشان مسرور خواهیم ماند چرا که من در انجام دهی امور سرکاری انصاحب را عمده داری مفید خیال میکنم -

و عنایت نامه که نواب شهاب جنگ بهادر معين المهام کو توالی تحریر فرمودند اینست
تبدل آن مهربان بر نظامت صوبه غزنی بعل آمده است و از محکمه انصاحب
علیحده میشوند به سماعت این خبر اینجانب را بسیار بسیار تاسف
رو نمود - کارروائی های آن مهربان این قدر درست از نقص پاک بود
که اگر آن مهربان معتمد سرکار علاقه کو توالی میشدند اینجانب می فهمید
که از چستی و چالاکی و جفاکشی آن مهربان بسیار مدو بمن میرسد و از
معتمدی آن مهربان دفتر کو توالی بسیار درست می شد خیر اکنون چاره
نیست بجز اینکه آن مهربان را از خود علیحده معاینه کنم مگر آن مهربان
یقین دارند که کارروائی آن مهربان آن قدر درست است که اگر اینجانب
هر روز بخورم همچو عمل آن مهربان را یاد کند سزاوارست بهر حال میخواهم که
آن مهربان هر جا که باشند خوش باشند بلکه به ترقی اگر آینده پیش من باز
کارگزاری باشند موجب بسیار مسرت این جانب است -

چونکه حالت عدالتهای صوبه غربی قبل از تقرر ایشان بسیار خراب بود چون ایشان رسیدند بسیار اصلاحات نمودند که در عرصه قلیل ازان تغییر کثیر بهم رسید و حالت رو با صلاح گردید و حالت غیر منتظمه باقی نماند بعد ختم سال رپورت سال تمام قلمبند کرده برای ملاحظه سرکار فرستادند نواب مدارالمهام سرکار آصفیه بعد ملاحظه آن هر چه تحریر فرمودند حسب ذیل است

رپورت و لحسب ایشان رسید نواب مدارالمهام از محنت و قابلیت ایشان آنچه ازین رپورت ظاهر میشود نهایت مسرور شدند.

در اصل از ایشان همین امید است که در زمانه انظامت ایشان بیشتر ازین ترقی بظهور خواهد آمد.

چونکه بعض حکام در صوبه غربی سخت بد اعمال و رشوت خوار و ظالم بودند منجمله آن سید عبدالغفار خان صاحب اول تعلقه از ضلع پربهنی که مشاهیره او یکزار روپیه بود سرگروه ظالمان و رشوت خواران بود و بعد آن منصفی ظالم اعظم موسوم بحیات پیر حسنی منصف هنگولی بود و بعد آن خواجه کریم الدین خان صاحب صدر منصف بطبرجفا شعار و رشوت خوار بود و بعد از آن نورخان تحصیلدار نرسی در رشوت خواری کمال داشت بعد آن گو بعض عهده داران بد اعمال بودند لیکن بدرجه انتهائی رسیدند ایشان بطرف این ظالمان اعظم توجه شدند و فریادها را رعایا شنیدند و بعد سعی بلیغ ایشان سید عبدالغفار خان و خواجه کریم الدین خان صاحب و نورخان و حیات پیر معزول شدند و مساوی حیات پیر نسبت او تجویز حبس و اقامت بیورد در یامی شور شد همه از خدمت موقوف گردیدند و از بعض عهده داران اختیارات عدالتی مسلوب کرده شدند و بعض عمال از خدمت موقوف کرده شدند و نسبت بعضی تنزل تجویز شد و اکثر عمال و عهده داران از مقامات تعیناتی تبدیل کرده شدند ازین بر عهده داران و عمال اثر تمام شد و از مظالم و رشوت خواری اکثران بکلی اجتناب کردند و همه احتیاط تمام اختیار کردند چونکه درین صوبه ظلم و ستم اهل کوتوالی هم از حد فزون بود هر کسی را که میخواهتند می گرفتند و در حراست خود تا مدت های دراز میداشتند و همه تهانه های کوتوالی از مردمان پرمایندند و بغیر ازین که حسب مرضی خود از آنها نه گیرند هرگز نمی گذاشتند ایشان بطرف اهل کوتوالی هم توجه نمودند چند عهده داران کوتوالی را سپرد عدالت فوجداری نمودند و چند عهده داران را سزا دادند چنانچه یک جمعدار کوتوالی موسوم به موسی خان بود که در مظالم بکلیای زمانه بود شانه فروشی را چوبی زده بود که استخوان دست او شکسته دست بیکار گردیده بود ایشان بدین جرم او را سزای قید هفت ساله

دادند علی بن اسحاق ساحت بہ ملازمان کو توالی دادند و حکام عدالتہامی ماتحت خود را بطرف اسناد داد
مظالم کو توالی متوجہ کردند و حکم دادند کہ اگر کدابی ملازم کو توالی کسی را بلا منظور می عدالت زایدان
یک روز زیر حراست خود دارد و بر مقدمہ جسب بیجا قائم کرده سزای قید و بند و ازین جملہ ملازمان
کو توالی را مطلع کردند از ان روز تہانہ ہای کو توالی ویران گردیدند و ہمیشہ خالی مینمایند و اہل
کو توالی بر کسی سختی کردن نمیتوانند۔ علی ہذا بسیار احکامات باعث امن و خلاق صادر کردند و بسیار
اصلاحات نمودند کہ بلا حلقہ رپورٹہامی ایشان مرتبہ ۱۲۹۹ و ۱۳۰۰ و ۱۳۰۱ و ۱۳۰۲ فصلی ظاہر
میشود در حقیقت بھر توجہ و محنت کہ انتظام عدالت و کو توالی این صوبہ نمودند قابل تعریف ثابت شد
و رعایای این صوبہ کہ (۲۹۱۰۵۶۱) است از ایشان بسیار خوشنود و مداح است و شکر یہی ہای
ایشان میکند و ایشان را بہ نیکی یاد می کند۔ در زمانہ حکومت نظامت این صوبہ وقتی نواب المہام
نسبت ایشان الفاظ ذیل تحریر فرمودند۔

قابلیت و دیانت و محنت ایشان چنان ست کہ نسبت ایشان
گفتن میتوانم کہ عمدہ واری براسے کار عمدہ تر از ایشان
بہم شدن نمیتواند۔

در نظامت ایشان چونکہ زاروج ولی عہد شہنشاہ روس قصد سیر غار ہاسے ایلورہ کرد
کہ در اورنگ آباد مستقر صوبہ ایشان ست و از سرکار آصفیہ نواب اقبال لدولہ بہادر معین المہام
مال براسے استقبال او مامور شدند چون بہ اورنگ آباد رسیدند و دفتر ایشان ملاحظہ نمودند
بسیار مسرور گردیدند و معتقد دار المہام کہ ہمراہ نواب صاحب بود بالفاظ ذیل نسبت معاینہ دفتر تحریر نمود۔
نواب معین المہام از معاینہ دفتر ایشان نہایت مسرور شدند در حقیقت بہ صفائی
و انتظام کہ دفتر و محافظ خانہ عدالت ایشان ست نہایت قابل الطینان ست
و اینجانب را بحیثیت جوڈیشل سکرٹری چون این موقعہ ملاحظہ کار ایشان شدہ است
از ان در گفتن این امر تامل ندارم کہ خوش نصیبی سرکار ست کہ ہمچو ایشان افسر
لایق بر کار ہای چنین ذمہ داری مامور اند۔

بعد چند می نواب صاحب بہ خلد آباد کہ متصل آن غار ہاسے ایلورہ اند تشریف بردند و از انجا
ایشان را بذریعہ معتقد نوشتند کہ ایشان ہم درینجا آمدہ در استقبال ولی عہد شہنشاہ روس
شریک باشند و تا قیام او درینجا مقیم ماندہ از ملاقات او ہم مشرف شوند۔ و در طعام ہر وقت

هم همراه او شریک باشند چنانچه ایشان تمیل حکم کردند و بروز تشریف آوری ولی عهد شهنشاه
 بخلد آباد رسیده و استقبال شریک مانند واز و واز و زرا و امرا و افسران فوج همراهیان او
 ملاقات کردند و تا قیام او همراه او در طعام هر وقت شریک مانند و در غار با سه یلوره نیز
 همراه او رفتند و هر جا همراه او ماندند آن ولعی بود بوجه وفات والد خود الحال شهنشاه
 روس است از آن جهت که ایشان اوشان تبارت کامل میدارند. بعد چندی چون در عدالت العالیه
 جای رکنی خالی شد تمامی ارکان و میر مجلس عدالت العالیه باتفاق برای آن بوجه لیاقت و بیانت و کارگزاری
 و علم و استعدادی انتخاب ایشان نمودند و نواب سر آسمان جاه بهادر مدارالمهام وقت این انتخاب با تالیخ
 ۲۴- ربیع الثانی ۱۳۱۳ هجری منظور فرمودند و ایشان با هزار و پنجاه و پیر بر خدمت رکنیت
 عدالت العالیه مامور گردیدند. و نواب سر آسمان جاه بهادر مدارالمهام وقت با الفاظ ذیل نسبت ایشان
 را بنمایند.

ایشان در زمانه ابتدای وزارت اینجانب بر خدمت صدر مدوکاری
 عدالت صوبه شمالی مامور بودند بوجه لیاقت و کارگزاری از اینجانب و کار
 معتمدی عدالت ترقی و اوم و بر خدمت مذکوره به لیاقت و محنت
 و بیانت که سرانجام و کار ماندند آن در حقیقت قابل قدر بود
 درین اثنا حکام عدالت العالیه بطلبه آرا انتخاب ایشان برای نظامت
 صوبه غربی نمودند و آنرا منظور نموده ترقی و اوم ایشان کار نظامت
 هم بجهت بسیار ولایت تمام انجام دادند و در زمانه دوره چون دفتر
 عدالت ملاحظه نمودم حالت آن نهایت عمده یافتم و علی العموم رعایا
 و عمده واران را از ایشان خوشنود یافتم و تعریف هر قسم ایشان شنیده
 خوشنود و شدم چون حکام عدالت العالیه بعد ازین برای رکنیت
 عدالت العالیه انتخاب ایشان نمودند و نواب معین المهام عدالت
 هم اتفاق کردند من هم منظور نمودم و چندان که از ارکان عدالت العالیه
 و میر مجلسان عدالت العالیه و معتمدین خود نسبت ایشان شنیدم
 همین بود که ایشان ذمی علم و فقیه و شاشتر و ان و لینیق و بیانت دار
 و تجربه کار و مفید حاکم عدالت اند.

بر ماموری ایشان بر کفایت عدالت العالیه زمانه گذشته بود که اعلیٰ حضرت قوی شوکت رئیس دکن قصد ترمیم انتظام موجوده ملک فرمودند و ایشانرا بغرض مشاورت بطور خاص برای چندے شرک معتمد خود مقرر کردند۔ و بمشورہ ایشان انتظام جدید جاری گردید که در حقیقت نهایت مفید بود لیکن بمصالح مختلف ایشان زیادہ تر بران خدمت ماندن نہ پسندیدند و بعد چندے با جازت اعلیٰ حضرت بخدمت خود در عدالت العالیه عود نمودند۔ نسبت کارگزاری و لیاقت و مفید خلائیق و ہر دل عزیز بودن ایشان کثیر التعداد آرامی عمدہ داران و رعایا و تحریرات سرکار اند کہ بالتفصیل اندراج آن خالی از تطویل نیست و نیز بسیار حالات تفصیل طلب قابل ذکر اند کہ درین مختصر گنجایش نیست این ہمہ در سوانح عمری ایشان مندرج کرده خواہند شد۔ ایشان با وجودیکہ ہمیشہ در کار سرکاری مشغول میمانند و فرصتی از کار ہای عمدہ خود نمی دارند و در کار سرکاری ہمہ تن مصروف میمانند تا ہم بوجہ آنکہ بعلم بطبع رغبت میدارند علاوہ علوم دینیہ خود در علوم ادیان مختلف ہم ہایتی کامل ہم رسانیدہ اند چنانچہ از علوم قدیمہ ہنود بخوبی واقف اند کہ کیفیت آن از رای سطر و نکٹا چاری شاستری عدالت العالیہ ظاہر شدن میتواند کہ اکابر علمای ہنود بودند۔ و آن در ذیل مرقوم است۔

ایشان از علوم قدیمہ اہل ہنود بخوبی واقف اند خصوصاً از برہم و دیای یعنی علم (تصوف) و فلسفہ و شاستری یعنی (فقہ) و دیگر علوم راز ایشان عالم علم ویداند۔ ایشان ترجمہ (۳) اوپنشد یعنی راز مرسیتہ) رک ویدو (۱۲) اوپنشد بچیر ویدو (۱) اوپنشد سام ویدو (۲۳) اوپنشد اترون ویدو۔ بزبان سلیس اردو بہ کمال لیاقت فرمودند۔ کہ مقابلہ آن از اصل سنسکرت نمودم و ہمہ ترجمہ ایشان صحیح و نہایت خوب یافتم و حقیقت کتابی از وید شکل تر در کتب ہنود نیست مطالب آن از حد اوق و بعید الفہم اند لیکن ایشان بقوت علوم خود آن مشکلات را حل کردند و چنان ترجمہ فرمودند کہ از ان مطالب اسهل تر بہ فہم میرسند و ہیچ وقتی باقی نماندہ است ایشان از امور عبادات ہم واقفیتی تمام میدارند و اکثر منتر و اشلوک ہچو پنڈت تان ذی علم بر زبان میدارند۔ من بالیقین گفتن میتوانم کہ کدامی شخص در اہل اسلام با ہچو لیاقت شاستری و ویدوانی با واقفیت دیگر علوم اہل ہنود ہم رسیدن دشوار و در اہل ہنود کمیاب است و بلحاظ معلوبات

جو تشیعینی علم نجوم و دیگر علوم قدیمیہ مجموعاً لیاقتی کہ ایشان میدارند بمقابلہ آن در لایق پندتان ہنود نہایت کم اشخاص خواہند بود من بطور منصفانہ بالیقین گفتن میتوانم کہ در شاستر و علوم قدیمیہ ایشان نہایت اعلیٰ تر لیاقت میدارند و نیز با وجود قلت فرصت تا این زمان حسب ذیل کتب تالیف و تصنیف و ترجمہ از السنہ دیگر کرده اند۔

(۱) احوال حسنہ۔ ترجمہ فارسی ماہ الفوائد عربی مولفہ

علامہ کمال الدین میری شافعی رحمہ اللہ۔

(۲) بحر الحکم۔ بزبان عربی۔ در علم کیمیا کتابت مبوط۔

(۳) تعلیم الفرائض۔ بزبان اردو۔ در علم شراعیض

کتابت مختصر و جامع کہ از ان بہ سہولت تمام

جمع مسائل بجزء قلیل معلوم میشوند۔

(۴) فیض الوجود۔ بزبان اردو۔ در مسئلہ وحدت الوجود

کتابت کہ در ان جمع مسائل موجود اند و تشریح

روح بہ تفصیل تمام است در جمع کتب تصوف ہرچہ

یافتن بسیار مشکل است ازین بہ سہولت تمام از ہمہ

واقفیت حاصل شدن می تواند۔

(۵) عمدۃ الافکار۔ بزبان اردو۔ در علم منطق کتابت

حاوی تمامی مسائل علم منطق کہ از ان فہمیدن

ہمہ مسائل پیچیدہ بسیار سہل است ہمہ ہر پنجہ

در جمع کتب منطق است ازین یک کتابت سہولت

تمام حاصل شدن می تواند۔

(۶) محبوب القلوب۔ بزبان اردو۔ کتابت در علم

مناظرہ کہ بہ تشریح تمام مولف تحریر نموده است

از مطالعہ آن حصول مناظرہ بطور کامل ممکن است۔

(۷) منظر الاسرار۔ بزبان اردو۔ ترجمہ مسائل مندرجہ ذیل مصنفہ

ارسطالیست کہ بہ مسائل علم منطق اند کہ نہایت مفید بہ حصول علم

(۱) ایساغوجی (۲) قاطنیوریاس (۳) پارمانیاس

(۴) الووطیقا (۵) الووطیقا الثانی -

(۸) فخر الافکار - بزبان اردو - ترجمہ اشراق المشرق است

کہ کتاب عجیب است در علم منطق و نہایت مفید

کہ از فرساوی عبری ترجمہ شدہ بود -

(۹) طبیعات - بزبان اردو - در طبیعات فلسفہ این ہر سہ کتب قائم مقام اسفار اربعہ فلسفہ اند

(۱۰) علم النفس - " - در فلسفہ صرف فرق انست کہ مباحث غیر ضروری

(۱۱) الہیات - " - در فلسفہ ساقط شدہ اند و ہمہ ضروری مسایل مندرج اند -

ازین کتاب ہمہ مسایل مشککہ بہ سہولت تمام فہم میسند

در فلسفہ صرف این کتاب کافی است -

(۱۲) احادیث الصحاح - بزبان اردو - در علم حدیث - این کتاب در علم حدیث کہ مؤلف بخت

شاقہ ہمہ احادیث صحاح ستہ باسقاط اسانید

واحادیث مکررہ بلحاظ مضامین بترتیب خاص ہمہ یکجا

جمع کردہ است و چین فہرست با منضبط نمودہ است

کہ حدیث ہر مضمونی کہ خواہند در لمحہ بر آوردن میتوانند

و نیز ترجمہ ہم نہایت سلیس و صحیح کردہ است

این کتاب نہایت قابل قدر است کہ بعائنہ آن

بر تمامی احادیث صحاح ستہ عبور میشود - و ہم معلوم میگردد

کہ ہر حدیث از صحاح ستہ در کدام کدام کتاب است

(۱۳) تفسیر القرآن - بزبان اردو - در علم تفسیر - این ہم کتابیست کہ در ان ترجمہ قرآن ہم

نہایت سلیس و صحیح است - و تفسیر ہم نہایت

خوب است کہ بالاختصار مطالب بیان

کردہ است و چین فہرستہا باین ملحق اند کہ

بلحاظ مضمون ہر مضمونے کہ خواہند در لمحہ

بر آوردن میتوانند -

(۱۳) اثبات الحق به زبان اردو - ترجمہ شخصیت المقال عربی - مصنفہ خواجہ موبد الدین خاں صاحب حمد اللہ

والد بزرگوار ایشان کج کتابت عجیبے رد نصاری کہ

جواب آن ایندم از علمای کجی نوشتن نوشتن کتابی

مبسوط است و ترجمہ اردو نہایت سلیس و عمدہ قابل دیدست

(۱۵) رک وید اردو - اردو کتاب آسمانی اہل ہنود - ترجمہ نہایت سلیس

(۱۶) بحسب وید اردو - ولطیف و پاکیزہ است کہ از ان مطلب بخوبی

(۱۷) شام وید اردو - بہ فہم میرسد

(۱۸) اتھرون وید اردو -

(۱۹) سکہ اوپشدروک وید - اردو کتاب علم تصوف اہل ہنود است -

(۲۰) دوازده اوپشدروک وید

(۲۱) چھاندوک اوپشدروک وید

(۲۲) سی و سہ اوپشدروک وید

(۲۳) جاگیہ وگیہ سمرتی - کتاب علم فقہ اہل ہنود است -

(۲۴) منو سمرتی

تذکرہ شجرہ حضرت آخوند صاحب از بلحاظ وعدہ مندرجہ مادہ (۸۷) مناسب مینماید کہ شجرہ حضرت

حضرت آدم علیہ السلام تا اینوقت آخوند صاحب قدس سرہ از حضرت آدم ابوالبشر علیہ السلام

بیان نموده از طبقہ حضرت آخوند صاحب تفصیل اشخاص بیان کنم - و شمار افراد ہر طبقہ علیحدہ علیحدہ

نمایم تا کہ افراد ہر طبقہ معلوم شوند - پس حضرت خواجہ شاہ مسعود الحسنی نقشبندی قدس سرہ از حضرت

آدم ابوالبشر علیہ السلام در طبقہ ہشتاد و ہفتم ظہور فرما شدہ اند و افراد طبقہ ہشتاد و ہفتم زاید از چار

ہستند و افراد طبقہ ہشتاد و نهم زاید از نہ ہستند و افراد طبقہ نودم زاید از ہشت یافتہ نہ ہستند

و افراد طبقہ نود و یکم دہ اند و افراد طبقہ نود و دوم بیست اند و افراد طبقہ نود و سوم شصت

دستہ اند و افراد طبقہ نود و چہارم پنجاہ و ہشت اند و شجرہ از حضرت آدم ابوالبشر علیہ السلام تا حضرت

خواجہ شاہ محمود الحسنی نقشبندی رحمہ اللہ بتفصیل افراد ہر طبقہ حسب ذیل است -

(۱) حضرت آدم ابوالبشر علیہ السلام (۲) شیث علیہ السلام (۳) انوش

(۴) قینان (۵) ہلاییل (۶) بیارد

(۹) لاک	(۸) متوشلخ	(۷) اخنوخ
(۱۲) ار فخشند	(۱۱) سام	(۱۰) نوح
(۱۵) فالخ	(۱۴) فابرز	(۱۳) شالخ
(۱۸) ناخورد	(۱۷) شاروخ	(۱۶) ارغو
(۲۱) اسمعیل علیہ السلام	(۲۰) ابراہیم علیہ السلام	(۱۹) اذر
(۲۴) ثابت	(۲۳) حمل	(۲۲) قیزار
(۲۷) اوو	(۲۶) ہمیج	(۲۵) سلمان
(۳۰) مَعَنَة	(۲۹) عدنان	(۲۸) او
(۳۳) الیاس	(۳۲) مضر	(۳۱) نزار
(۳۶) کنانہ	(۳۵) خزیمہ	(۳۴) مدرکہ
(۳۹) قہر	(۳۸) مالک	(۳۷) نضر
(۴۲) کعب	(۴۱) لوی	(۴۰) غالب
(۴۵) قصی	(۴۴) کلاب	(۴۳) مرہ
(۴۸) عبدالمطلب	(۴۷) ہاشم	(۴۶) عبدمناف
(۵۱) حضرت امام حسین اولی علیہ التحیہ	(۵۰) حضرت علی کرم اللہ وجہہ	(۴۹) ابی طالب
(۵۴) حضرت اویس اولی	(۵۳) حضرت عبداللہ اولی معروف بید اللہ	(۵۲) حضرت امام حسن المثنی رحمہ اللہ
(۵۷) عبد اللہ ثانی	(۵۶) احمد	(۵۵) عمر
(۶۰) علی	(۵۹) حمود	(۵۸) محمود
(۶۳) عکر	(۶۲) عیسیٰ	(۶۱) ناصر الدین الحسنی
(۶۶) سید طاہر	(۶۵) سید طیب	(۶۴) اویس ثانی
(۶۹) سید اسمعیل غوری	(۶۸) سید عبدالعزیز بن ابی بکر تان عراق	(۶۷) نواب ابوالقاسم الحسنی
(۷۲) سید عبداللہ الحسنی	(۷۱) سید شہاب الدین غوری	(۷۰) سید عبدالرحمن غوری
(۷۵) سید حافظ عبدالغفور	(۷۴) سید مولانا محمد صالح الحسنی	(۷۳) سید مولانا عبدالمہین الحسنی
(۷۸) سید برہان الدین ابراہیم	(۷۷) سید رضی الدین نقشبندی	(۷۶) عبد الرزاق
الحسنی	معروف بابی بکر عبداللہ الحسنی	الحسنی
(۸۱) سید نور الدین علی	(۸۰) سید غوث الدین آل صفی	(۷۹) سید نور الدین احمد
الحسنی	خفوی الحسنی	الحسنی
(۸۴) سید ابی کمال محمد الحسنی	(۸۳) سید توفیق الدین محمد نقشبندی	(۸۲) سید ابی زکی حسن الحسنی
(۸۷) سید شاہ مسعود الحسنی	(۸۶) سید ابی سعید محمود الحسنی	(۸۵) سید ابی نصر بلخی الحسنی

تفصیل افراد و نسبت مختصر حالات افراد همین شجره بعد ازین ورق علامه منضبط است

ردیف	تفصیل طبقه	شماره افراد و طبقه	نام شخص	تفصیل اول	تفصیل طبقه	شماره افراد و طبقه	نام شخص	تفصیل اول	تفصیل طبقه
۸۸	الف	۱	خواجہ برادر الدین خان	الف طبقه (۹۲)	۱	خواجہ نسیر الدین خان	۲۵	الف طبقه (۹۲)	۱
	ب	۲	شیخ الاسلام آخوند خاں	ب	۲	خواجہ مجید الدین خان	۲۶	ج	۱
	ج	۳	ملا خواجہ عبدالکریم	ج	۲	خواجہ عزیز الدین خان	۲۷	د	۱
	د	۴	خواجہ محمد ابراہیم	د	۳	محمی الدین خان	۲۸	هـ	۱
۸۹	الف	۵	خواجہ جلیل الدین خان	الف طبقه (۹۰)	۳	خواجہ سید کمال الدین	۲۹	هـ	۲
	ب	۶	دختر	ب	۴	احمد شاه	۳۰	و	۱
	ج	۷	دختر	ج	۵	دختر	۳۱	ز	۱
	د	۸	وحید الدین خان	د	۶	دختر	۳۲	ح	۱
	ب	۹	فرید الدین خان	ب	۷	دختر	۳۳	د	۱
	ج	۱۰	دختر	ج	۸	دختر	۳۴	هـ	۱
	د	۱۱	دختر	د	۹	مولوی سید الدین خان	۳۵	و	۱
	ب	۱۲	دختر	ب	۱۰	دختر	۳۶	ز	۱
	ج	۱۳	محمد رضا	ج	۱۱	مولو خواجہ سید الدین خان	۳۷	ح	۱
۹۰	الف	۱۴	بہاء الدین خان	الف طبقه (۹۱)	۱۲	مولو خواجہ سید الدین خان	۳۸	د	۱
	ب	۱۵	صدر الدین خان	ب	۱۲	خواجہ حفیظ الدین خان	۳۹	هـ	۱
	ج	۱۶	دختر	ج	۱۳	خواجہ رفیع الدین خان	۴۰	و	۱
	د	۱۷	امین الدین خان	د	۱۴	دختر	۴۱	ز	۱
	ب	۱۸	دختر	ب	۱۵	دختر	۴۲	ح	۱
	ج	۱۹	معین الدین خان	ج	۱۶	دختر	۴۳	د	۱
	د	۲۰	خواجہ اکبر	د	۱۷	دختر	۴۴	هـ	۱
	ب	۲۱	دختر	ب	۱۸	دختر	۴۵	و	۱
۹۱	الف	۲۲	دختر	الف طبقه (۹۳)	۱۹	راجہ یوسف علی خان	۴۶	ز	۱
	ب	۲۳	خواجہ نجم الدین خان	ب	۱۹	سید محمد شاه	۴۷	ح	۱
	ج	۲۴	خواجہ شمس الدین خان	ج	۲۰	سید احمد شاه	۴۸	د	۱

ظہور	تفصیل طبقہ	شماره از اول طبقہ	نام اشخاص	نشان تفصیل اولاد	طبقہ	تفصیل طبقہ	شماره از اول طبقہ	نام اشخاص	نشان تفصیل اولاد
	۲	۲۹	دختر			۵	رضی الدین خان	ز	
	۳	۵۰	سید اسد اللہ شاہ	ن		۶	دختر		
	۴	۵۱	غلام شاہ	س		۷	علاء الدین خان		
۹۳	الف	۵۲	دختر			۸	دختر		
	ب	۵۳	وحید الدین خان			۹	سید اسد اللہ خان		
	۲	۵۴	دختر	(۹۳) الف طبقہ		۱۰	دختر		
	۳	۵۵	دختر	ب		۱۱	دختر		
	۴	۵۶	حمید الدین خان	ج		۱۲	دختر		
	۵	۵۷	فرید الدین خان			۱۳	سید حسین		
	۶	۵۸	دختر			۱۴	سجاد حسین		
	۷	۵۹	اکبر حسین			۱۵	مرغی حسین		
	۸	۶۰	اصغر حسین			۱۶	رضا حسین		
	۹	۶۱	غریب الدین خان			۱۷	محمدی حسین		
	۱۰	۶۲	دختر			۱۸	بادی حسین		
	۱۱	۶۳	مراد الدین خان	(۹۳) د طبقہ		۱۹	کاظم حسین		
	۱۲	۶۴	دختر	د		۲۰	سید حسین		
	ج	۶۵	تفضل حسین	ب		۲۱	آغا حسین		
	د	۶۶	امین الدین خان			۲۲	دختر		
	۲	۶۷	سعید الدین خان			۲۳	دختر		
	۳	۶۸	دختر			ک	دختر		
	۴	۶۹	محمدی الدین خان	د		ک	دختر	ح	
	۵	۷۰	طفل چند روزہ			۳	دختر		
	۶	۷۱	دختر			ل	سید جلال الدین	ط	
	۲	۷۲	دختر			۲	سید عزیز اللہ	ی	
	۳	۷۳	علیم الدین خان			۳	دختر	ک	
	۴	۷۴	دختر			۴	دختر	ل	

ببینند

طبقت	تفصیل طبقه	شماره از اول طبقه	نام شخص	نشان تفصیل اولاد	طبقت	تفصیل طبقه	شماره از اول طبقه	نام شخص	نشان تفصیل اولاد
		۱	مذیر الدین خان	م		۱	دختر		
		۲	رشید الدین خان	ن		۱۰۲	سید صید الله شاه		
		۵	غلام عوث خان	س		۱۰۳	سید عبد الله شاه		
		۱۳۰	دختر	ع		۱۰۴	سید رسول شاه		
		۲	رفیع الدین خان	ف		۱۰۵	سید کمال شاه		
		۳	دختر	ص		۱۰۶	سید صید شاه		
		۴	ایباز الدین خان	ق		۱۰۷	سید احمد شاه		
		ح	تجمل حسین			۱۰۸	سید مقبول شاه		
		۲	دختر			۱۰۹	دختر		
		ط	صدر الدین	ک		۱۱۰	دختر		
		۲	قادر			۱۱۱	دختر		
		۳	مصطفی	ش		۱۱۲	احمد شاه		
		۴	احمد الله			۱۱۳	دختر		
		۵	ولی شاه			۱۱۴	محمد شاه		
۹۲	الف	۴	دختر			۱۱۵	دختر		
		۷	دختر			۱۱۶	سید احمد خان		
		ی	علی شاه			۱۱۷	سید محمد خان		
		۲	دختر			۱۱۸	دختر		
		۳	دختر			۱۱۹	مجید الدین خان		
		۴	محمد شاه			۱۲۰	سعید الدین خان		
		ک	دختر			۱۲۱	ریاض الدین خان		
		۲	دختر			۱۲۲	احمد الدین خان		
		۳	محمی الدین			۱۲۳	عظمت الله خان		
		ل	علی شاه			۱۲۴	دختر		
		م	میر احمد شاه			۱۲۵	نصیر الدین خان		
		ن	نور الدین			۱۲۶	بشیر الدین خان		

طبقات	تفصیل طبقہ	شماره افراد طبقہ	نام اشخاص	نشان تفصیل اولاد	طبقات	تفصیل طبقہ	شماره افراد طبقہ	نام اشخاص	نشان تفصیل اولاد
	۲	۱۵۳	سعید شاہ			۲	غلام محی الدین		
	۳	۱۵۴	حسین شاہ			۳	دختر		
	ہی	۱۵۵	حسن			ص	دختر		
	۲	۱۵۶	قاسم			۲	سید عزیز اللہ		
	۳	۱۵۷	دختر			۳	سید احمد شاہ		
	ع	۱۵۸	دختر			ق	سید غلام		
	۲	۱۵۹	سید حسین شاہ			۲	سید غلام مصطفیٰ		
	۳	۱۶۰	سید غلام شاہ			ہی	سید محمد شاہ		
	۴	۱۶۱	سید غلام شاہ			۲	دختر		
	ف	۱۶۲	دختر			س	علی شاہ		

مختصر حالات اصحاب شجره تفصیلی مذکورہ بالا

- (۱) دروفعات ۲ و ۵ کتاب ہذا تذکرہ ایشان ست۔
- (۲) از حالات ایشان تمام کتاب مملوست۔
- (۳) دروفعات ۶ و ۱۳ و ۸ تذکرہ ایشان ست۔
- (۴) دروفعات ۱۱ و ۱۳ و ۸۰ تذکرہ ایشان ست۔
- (۵) دروفعات ۱۳۔ تذکرہ ایشان ست۔
- (۶) از خواجہ محمد عمر المخاطب بوحید الدین خان منسوب شدند و در وہلی بمقبرہ حضرت باقی باشند مدفون گردیدند قبر از سنگ باسی کهنکرہ دارست۔
- (۷) از ملا عبد اللہ المخاطب بہ فرید الدین خان منسوب شدند۔
- (۸) در مقبرہ حضرت خواجہ باقی باشند صاحب بہ شہر وہلی بقاصلاہ صد قدم طرف مشرق از مزار حضرت آسودہ اند قبر از سنگ باسی ست۔
- (۹)
- (۱۰) از سید خواجہ افضل صاحب منسوب شدند کہ فرزند خواجہ قابل بیگ خان صاحب فرزند سید باقی صاحب کاشغری بودند کہ از خاندان عالی و اکابر کشمیر بودند و بمقبرہ آخون صاحب مدفون اند۔
- (۱۱) از خواجہ محمد سالم منسوب شدند و بمقبرہ آخون صاحب مدفون اند۔
- (۱۲)
- (۱۳) یک دختر داشت کہ از سید عبد الباقی کتخدا شدہ و لاولہ فوت شدہ در نوشہرہ مدفون ست۔
- (۱۴) در خانقاہ حضرت غلام علی شاہ صاحب مدفون اند۔
- (۱۵) در طب مشہور بودند در بنارس لاولہ فوت شدند و در انجا مدفون اند۔
- (۱۶) از حکیم سید الدین احمد خان منسوب شدند۔
- (۱۷) از قمر النساء معروف بی زینب صاحبہ منسوب شدند و در بنارس نقل کردہ و در انجا مدفون شدند۔

(۳۶) در مهرش نزد برادر خود مولوی مویرالدين خان رفته بودند در انجا علیل گردیده انتقال نمودند و در انجا مدفون اند.

(۳۷) در حیدرآباد دکن به عهد معتمدی مدارالمهام مامور بودند در انجا بیمار شدند و بتاريخ ۱۸ شعبان ۱۲۳۱ هجری انتقال کردند در مقبره یوسف صاحب شریف صاحب مدفون اند.

(۳۸) بتاريخ یکم رجب ۱۲۳۹ هـ تولد شدند و در ۱۳۱۰ هـ در مدینه انتقال کردند در مقبره حضرت خواجہ باقی باشند مدفون گردیدند.

(۳۹) در لکھنؤ مدفون اند.

(۴۰) در بنارس مدفون اند.

(۴۱) در لکھنؤ مدفون اند.

(۴۲)

(۴۳)

(۴۴)

(۴۵)

(۴۶) در لکھنؤ انتقال کردند.

(۴۷) در ۱۳۱۰ هـ تولد شدند و در ۱۳۱۰ هـ بتاريخ ۵ شوال ۱۳۰۳ سال انتقال کردند در مقبره آخون صاحب مدفون اند.

(۴۸) بمر ۳۲ سال در ۱۳۱۰ هـ در ماه ربیع الاول انتقال کردند ۱۳۱۰ هـ تولد او شانست بمقبره مرزا کامل بیگ مدفون اند.

(۴۹) ناگز خدا اولد فوت شدند در ۱۳۱۰ هـ بمصر تولد شدند و در ۱۳۱۰ هـ انتقال کردند بمقبره مرزا کامل بیگ مدفون اند.

(۵۰) بتاريخ ۲ شوال ۱۳۱۰ هـ روز دوشنبه تولد شدند و بتاريخ ۱۳۱۰ هـ اجمادی الثاني ۱۳۱۰ هـ انتقال کردند و در خانقاه مرزا کامل بیگ صاحب مدفون گردیدند.

(۵۱) در ۱۳۱۰ هـ تولد شدند و بتاريخ ۲ ربیع الثاني ۱۳۱۰ هـ بروز پنجشنبه انتقال نمودند و بمقبره شیخ بہاء الدین صاحب گنج بخش مدفون گردیدند.